

بنام خداوند بخشنده و مهربان



طنز حاجی فیروز

نویسنده : حدیث سیرجانیان

(مناسب برای اجرای در برنامه ها و جشن های مختلف خصوصا مدارس و دانشگاه ها)

کاراکترها: مجری- حاجی فیروز

مجرى: سلام بچه ها خوييد سلامتيد ؟؟؟؟خب الهی شکر مبارک؟؟؟مبارک کجاييی تو//؟؟ بچه ها شما مباركو نديدين مبالاارک زشته بچه ها منتظرن ای بابا

(مبارک درجہ ای بزرگ یا کارتون بزرگ قائم شدہ و روی ان گرفته شدہ)

مبارک:(از داخل جعبه) من اینجا اااااااااااااااااااااا

مجرى: کجایی مبارک؟

مبارک: من اینجاممممممم

مجری: کجا خودتو نشون بده

مبارک: (بلند میشود) ای بابا اینجام

مجری: اه تو چرا اینجا قائم شدی بیا بیرون زشته

مبارک: زشت خشته خانم مجری بعدشم من قهرم

مجری: چیرا قهری؟؟؟

مبارک: چونکہ مسخرم میکنن (به حالت گریه)

مجری: اخی عزیزم ممممم بیا بیرون ببینم کی مسخرت کردہ ہاں

مبارک: این

مجری: این؟

مبارک: نه این او نه

مجرى : ایبیین؟

مبارک: نه... نه... این

مجری: این؟

مبارک: ای بابا خانم مجری چقدر شوتی من منظورم با همین درازست

مجری: اہمیں عیبھیہ مبارک

مبارک: اه... اه... ببخشید اشتباه شده انگار من با همونی بدم ک لباسو اینجوری باد کرده بببببش چی میگن
 ؟ اه افهمیدم بهش میگن پروتوس

مجری: مبارک هییییس ابرومونو بردی اون پروتزه بعدشم دخترای این مدرسه اهل اینکارا نیستن جانم
یاالله ازشون معذرت خواهی کن

[illegible]

مجرى: از دست تو مبارک . خب بیخیال این حرفها و بحث ها خواستم بگم یه چیزی بزنی شاد بشیم

مبارک: من؟

مجری:اره

مبارک: مننتننتننتنن؟

مجری: ارہ مبارک جان شما

مبارک: خانم مجری من چیز بزنم /؟ من غلط کنم چیز بزنم چي راجب من فکر کردی ها!!!!!!!!!!!!!! ؟

مجری: اه اه این حرفها جیه خجالت بکش

مبارک: خجالت بکشم خیلی خب

مجری: وووو وای باز جیشد کجا میری؟

مبارک: میرم بکشم

مجری: فکر کنم باز مبارک ناراحت شد خب بجه ها تا مبارک اشتهی کنه و بیاد من شما رو به شنیدن یه موسیقی محلی.....

مبارک: اهااااااااااا پیداش کردم ماتیک بکشمممم یا ریملااااااااااا وای خانم مجری بیا واسه شما هم بکشمم خوشگل میشی شوهرگیرت میاد میری سر زندگیت بچه میارییی دوقلو سه قلووووووووو

مجری: نکن مبارک ولم کن ولم کن توروخدا

مبارک: من قصد ازدواج ندارم والا میخوام ادامه تحصیل بدم وگرنه میگرفتمت

مجری: مگه تو درس خوندی؟

مبارک: پ ن ی فقط عمت خونده

مجری: مبارک خدا ورت داره

مبارک: بگذریم میخوام به افتخاره بچه ها یه چیزی بخونم

مجرى: بخون جانم بخون

مبارک: بشکن بشکنه بشکن من نمیشکنم بشکن بشکن تو قوطی بشکن واسه

پسرررر لوووووطی بشک....

مجری:بســـــــــــــــــههههه خستم کردی دیگه

مبارک: خانم ما هر چي ميگيم هي ميگي بسه عيبه زشه بو دار هههههههههههه

مجرى: خب الان موقعه عيدہ ما بايد راجب سنت ها مون صحبت كنيم مثلا راجب خونه تكونى ديد و

بازدید عیدییییییی راستی مبارک جان تو عیدی میخوای به بچه ها چی بدی؟

مبارک: من؟ منکه پول ندارم خانم خواهشا شایعه نکنید بگید مبابا ارک پولدار شده ها والا من دستشوویی

نمیرم ک گشتم نشہ

مجرى: من خودم دیدم کلک داشتی پولاتو میشمردی

مبارک: هیییییییی سسسس حالا هزار بعد عید راجبش صحبت میکنیممم ای بابا! باشه کولیمون کردی هزار

بشمارم حداقل (از جوراب پول بیرون میاره) یکککککو دوووووو سوووووو شوووووو ششششششش

مجری: بده خودم بشمارم بی سواد

مبارک: خانم مجرییییییی پولا مو بددهدهدهدهههه

(مبارک بالا و پایین میپرہ)

مجری: باز چیشده مبارک؟

مبارک: فشار رومه هییییی فشار میاد

مجری: فشاره چی دارم نگران میشما

مبارک: صبر کن الان می‌گم ممممم بهتنتنت (افتابه بر میداره) دستشو ووی کجاس؟

مجری: چاہ پر شدہ

(مبارک میدود)